



ایران ورجاوند



مجله ایران‌شناسی | سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۵۰۰۰۰ تومان

- ◆ مهرها و اثر مهرهای تپه دهسوار، کرمانشاه
- ◆ آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه
- ◆ معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوحن-تیسفون
- ◆ الهه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی
- ◆ معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین
- ◆ تابوت سنگی برف‌آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام‌آباد غرب کرمانشاه
- ◆ تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنر گنداره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال‌آباد افغانستان)
- ◆ تحلیلی بر عناصر معماری شیعی در آرامگاه‌های دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های اهل تسنن در آذربایجان غربی

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۱۲۰ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه‌تزیینی از قصر ابونصر شیراز، سده ۶ و ۷ میلادی، ساسانی (۴)، موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- مهرها و اثر مهرهای تپه دهنسوار، کرمانشاه | سوزان پولاک، رینهارد برنیک و کریستین کاینر، ترجمه ماندانا صدفی و مجتبی چرمچیان ۴
- تابوت سنگی برف آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام آباد غرب، کرمانشاه | شهرام علی یاری و سجاد علی بیگی ۱۶
- تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنرگناره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال آباد افغانستان) | الکساندرا وانلین، ترجمه باقر فاضلی ۲۲
- الیه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی | مانی‌سعدی‌نژاد، ترجمه باقر فاضلی ۴۳
- معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوحن-تیسفون اعلی نوراللهی ۵۱
- آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه | ناصر امینی‌خواه ۶۷
- معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین | شیلا بلر، ترجمه محسن سعادت‌تی ۷۶
- تحلیلی بر عناصر معماری هویت شیعی در بناهای آرامگاهی دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های هم‌عصر اهل تسنن در آذربایجان غربی | اسماعیل معروفی اقدم، علی صدرایی و فریبرز طهماسبی ۹۱

درگذشتگان

۱۱۳

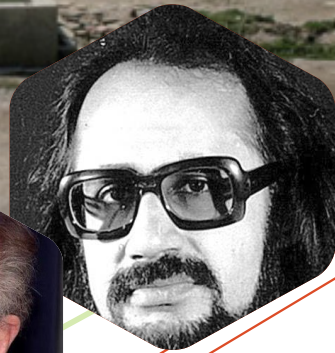
درگذشتگان ایران‌شناسی | آرشاک ایروانیان

بخش انگلیسی

In search of Ērānšahr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist | Afshin Aryanpur 3



مقاله



مجله ایران شناسی ایران ورجاوند

معرفی پل شیرپناه در مسیر شاهراه اریوحان-تیسفون

علی نوراللهی
باستان‌شناس

چکیده

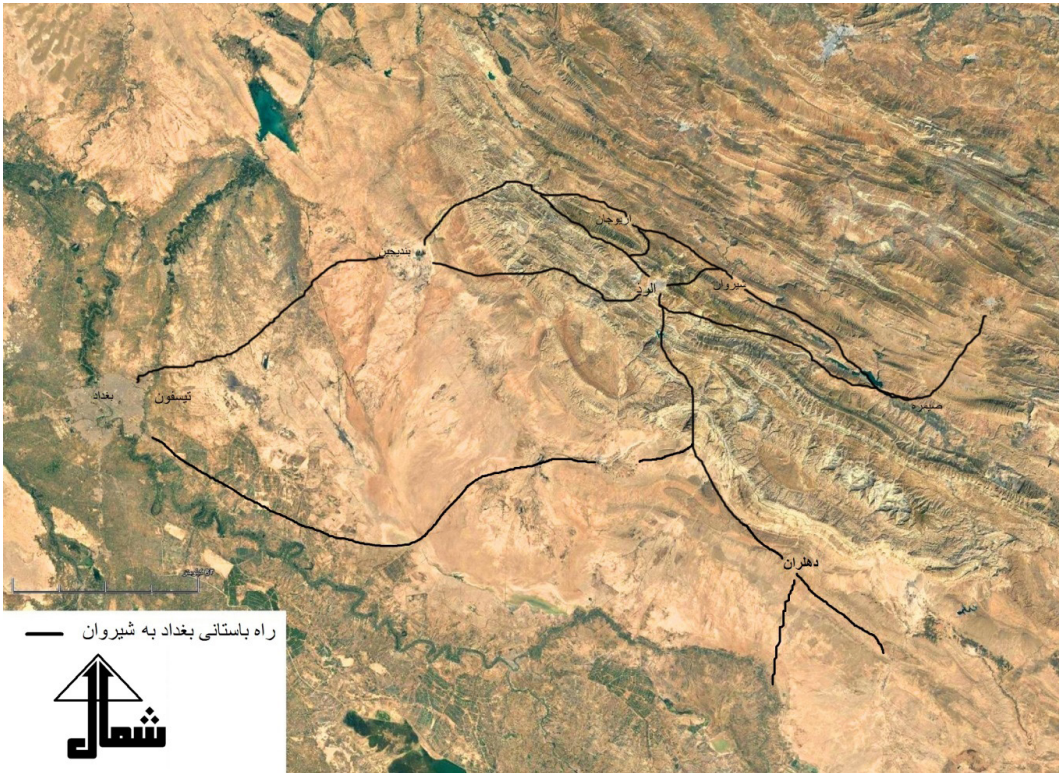
پل شیرپناه در بخش گرمسیری بخش زرنه شهرستان ایوان و بر مسیر عمیقی در مسیر راه باستانی اریوحان به مندلی ساخته شده است. این پل دارای یک دهانه بوده و با مصالح بوم‌آورد لاشه‌سنگ و گچ‌نیمکوب ساخته شده که امروز از ساختمان اصلی آن فقط پایه‌های که در دو طرف مسیر ایجاد شده، باقی است. از چگونگی شیوه قوس‌زنی و دهانه آن، به علت فروریزی آن در طی زمان آگاهی نداریم هرچند که از پایه قوس و خیز آن آثار کمی باقی است. به‌ررو این پل یک دهانه دارد و برای تسهیل آمد و شد، نه بر رود گنگیر بلکه بر یک مسیر عمیق سر راه آن ایجاد شده است. براساس شواهد معماری و مصالحی که در ساخت این سازه استفاده شده، به احتمال متعلق به دوره ساسانی و بعد از آن است و در مورد آن، منابع تاریخی آگاهی به‌دست نمی‌دهند. در این نوشتار پس از درآمدی بر جغرافیای تاریخی این ناحیه به بررسی راه‌های باستانی که در گذشته و تا حدودی اکنون مورد استفاده است و در ادامه به توصیف سازه مورد نظر و شیوه ساخت آن پرداخته‌ام و در پایان نیز جمع‌بندی از کلیه مطالب ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: ایوان، پهل، ماسبدان، اریوحان، تیسفون، پل شیرپناه.

درآمد

ساسانی و دوره‌های بعد همچنان از بخش‌های مهم بوده است. در زمان هخامنشیان بانام ماساباتیکه، شناخته می‌شده و همواره دارای حکومت نیمه مستقلی بوده‌اند به طوری که بسیاری از شاهان در اغلب مواقع برای عبور از قلمرو آنها مجبور به پرداخت باج سبیل بوده‌اند و در دوره اشکانی این منطقه برای مدتی

استان ایلام امروزی بخشی از ناحیه پهل در دوران تاریخی بوده که بعد از ورود اعراب و فروپاشی ساسانیان، جبال و کوهستان نامیده می‌شود. ماسبدان یکی استان‌های ایالت جبال است که بنا به گواهی جغرافی‌دانان در ادوار مختلف هخامنشی، سلوکی، اشکانی و



تصویر ۲. راه باستانی تیسفون به شیروان و شهرهای دیگر (تنظیم نوراللهی)

سیمره به نواحی داخلی ایران ادامه می‌یافته است (تصویر ۲). این راه که کوتاه‌ترین راه دسترسی این مناطق به تیسفون بوده است در دوره تاریخی دارای اهمیت زیادی بوده است به‌طوری‌که راولینسون به اهمیت آن در مواقع بحرانی اشاره کرده: به‌نظر می‌رسد دژ مستحکمی که در ارتفاعات شرق تیسفون وجود داشته است و خسرو پرویز هنگام تهدید از سوی امپراتور هراکلیوس زنان و فرزندان خود را به آنجا منتقل می‌کرده است (Rawlinson, 1839: 59). امروزه بخش‌های از این راه باستانی در میانه دشت میانکوهی ایوان باقی مانده است - که هولهری (اپلره) نامیده می‌شود - سازندگان این راه جهت تسهیل عبور و مرور کاروان‌ها یا ارتباطات به ساختن پل‌های (امروزه در دو نقطه آثاری از پل‌ها قابل مشاهده است که به‌احتمال

تا حدود سده چهارم هجری قمری رونق داشته و در منابع اسلامی به کرات از آن نام برده شده است (تصویر ۱).

حوزه رود رودخانه گنگیر که امروزه در برگرنده شهرستان ایوان است در دوره ساسانی و بعد از آن اریوجان یا اریوجان نام داشته که جزئی از استان ماسبدان بوده است این شهر در مسیر شاهراهی قرار داشته که از تیسفون شروع می‌شده و بعد از عبور از شهر بندیکین (مندلی امروزی) به دره رودخانه گنگیر وارد شده و از طول دره که شامل سومار و پلیه به شهر زرنه و ایوان امروزی متصل شده و سپس از دامنه‌های شمالی مانیشت ادامه یافته که در محل کاروانه ری (راه کاروانی) نامیده می‌شود، پس از عبور از منطقه کارزان به شهرهای باستانی شیروان (سیروان) و سیمره متصل می‌شود و در ادامه آن با قطع رود



تصویر ۳. راه باستانی کاروانه در دامنه‌های شمالی مانیش و میان جنگل‌های بانکول

و مسیل‌های منتهی به آن، به دست نداده‌اند. احتمالاً این نویسندگان خود از این مسیر نرفته‌اند و تنها به اخبار و شنیده‌های دیگران استناد کرده‌اند. از جمله ابودلف که در سال ۳۴۱ ه.ق. که از مسیر حلوان (سرپل ذهاب امروزی) به مهرجان قذق (مهرگان گدک=دره‌شهر امروزی) رفته است، می‌نویسد: از طزر بسوی راست به ماسندان (ماسبدان) و مهرجان قذق می‌روند که شامل شهرهای متعدد از جمله اریوجان است. این شهر زیبا در دشتی میان کوه‌های پر از درخت واقع است و در آن آب‌های معدنی و گوگردی و معدن زاج و شوره و املاح دیگر وجود دارد. آب آن به بندنجین (مندلی) می‌ریزد و نخلستان‌ها با آن آبیاری می‌شود: در شهر مزبور فقط سه چشمه معدنی و چشمه دیگری موجود است که هرگاه شخص از آب آن تنقیه کند به اسهال سخت مبتلا می‌شود و چنانچه از آن بنوشد مقدار زیادی اخلاط بر می‌گرداند. این آب برای اعصاب سر زیان‌آور است. از آنجا تا رد (رد) و براو چند فرسخ است. در آنجا (رد-رد) شهر

بیشتر بوده‌اند ولی از بین رفته‌اند) بر رودخانه گنگیر اقدام کرده‌اند که یکی از این پل‌ها در ۵ کیلومتری شرق سومار و نزدیک روستای شرفشاه سومار است که دارای چهار چشمه است که امروزه یکی از چشمه‌های آن سالم با قوس ضربی باقی مانده و بقیه فروریخته‌اند. تنها بخشی از پایه‌های دیگر پل باقی مانده است و دیگری پلی یک‌دهانه است که بر یکی از مسیل‌های عمیق این مسیر در دامنه‌های شیرپناه نزدیک روستای امروزی روان ایجاد شده است. این پل را پیشتر بیان پیرانی بررسی کرده است (پیرانی، ۱۳۸۱) و نگارنده نیز در بهمن ۱۳۸۴ دوباره آن را مورد بررسی قرار داد (نوراللهی، ۱۳۸۴) که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

راه باستانی تیسفون به ماسبدان

در کتب تاریخی باوجود اینکه از مسیر مندلی (بندیجین) به ماسبدان بارها نام برده شده است. اما اطلاعی از این پل و پل‌های دیگر ساخته شده و موجود در این مسیر بر رودخانه گنگیر



تصویر ۴. بخشی از راه باستانی هولری در کرانه گنگیر

کند، و آن شهری است جلیل‌القدر و با عظمت و پر وسعت میان کوه‌ها و دره‌ها که به آن سیروان گفته می‌شود، و از همه شهرها به مکه شبیه‌تر است و در آن چشمه‌های آب جوشانی است که در میان شهر به سوی نهرهای بزرگی که مزارع و آبادی‌ها و زمین‌های کشاورزی و بستان‌ها را تا مسافت سه روز آبیاری می‌کند، جریان دارد. این چشمه‌ها در زمستان گرم و در تابستان سرد است، و مردم این شهر ترکیبی از عرب و عجم اند. از شهر سیروان تا شهر صیمره که مرکز استان مهرجان‌قذق است دو منزل راه است. جمعیت آن ترکیبی از کرد، فارس و عربند و ماسبذان در زمان خلافت عمر بن خطاب به تصرف اعراب درآمد و خراج این سرزمین دو میلیون و پانصد هزار درهم است (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۴۳-۴۴). راولینسون ضمن توصیف چگونگی عبور از کوه چرمین به راه کاروانه اشاره کرده و

ایلام (امروزی) آرامگاه مهدی واقع است. یگانه اثری که در این شهر دیده می‌شود ساختمانی است که شکل خارجی آن از میان رفته و چیزی از آن باقی نمانده است. سپس از آنجا به سیروان می‌روید. در این مکان آثار زیبا و ساختمان‌های عجیب موجود است. آنگاه به صیمره (سیمره- نزدیک شهر دره شهر امروزی) می‌روید. صیمره نیز شهر زیبایی است... میان صیمره و طرhan پل بزرگ زیبا و عجیبی برپا می‌باشد که دو برابر پل خانتین است (ابودلف، ۱۳۵۴: ۶۰-۶۲).

یعقوبی درباره چگونگی و مسیر رفتن از بغداد به ماسبذان و وضعیت آن نوشته است: ... پس هرگاه از پل نهروان بگذرد، وی را چند رشته راه جبل پیش آید. پس اگر بخواهد بر استان‌های (کور) ماسبذان و مهرجان‌قذق و صیمره بگذرد، هنگام عبور از پل نهروان بطرف دست راست رهسپار گردد و شش منزل تا شهر ماسبذان سیر



تصویر ۵. بخشی از مسیر هولهری که بعد از پل شیرپناه به سمت سرتنگ

راهی مستقیماً تیسفون را به دره هفت آو (هفت در سمت شمال غربی شیروان، تپه گرد و عریضی قرار دارد که در زیر خاک‌هایش بقایای قلعه‌ای ایلامی یا شاید هم متعلق به دوران قدیم‌تر نهفته است. لیکن ساکنان کنونی این منطقه، از گذشته درخشان شیروان کوچکترین اطلاعی ندارند و آثار قصرهای سنگی و شهرهای قدیمی را به کارهای خارق‌العاده جمشید (قهرمان اساطیری ایران)، نسبت می‌دهند و تصور می‌کنند که در زیر سرسراهای ساسانی که تاق‌ها و تزئینات هنرمندانه و زیبایش از ذوق و سلیقه سازندگانش حکایت می‌کند، اژدهاها و موجودات افسانه‌ای دیگر از گنجینه‌های سیم و زر و جواهرات نهفته در آنجا حفاظت می‌کنند (گروته، ۱۳۶۹: ۶۳-۶۴).

می‌نویسد: ... به طوری که شنیدم در فاصله کمی در سمت راست جاده دیگری یافت می‌شود که از روی ارتفاعات امتداد یافته و پس از گذشتن از گردنه‌ای نه چندان سخت به طرف دشت کارزان و سپس در امتداد رودخانه‌ای به سوی زنگوان سرازیر می‌شود، این جاده بدون تردید یک راه باستانی است (Rawlinson, 1839: 51).

هوگو گروته بعد از دیدار و اطراق در اردوگاه والی در حسین‌آباد (ایلام امروزی) از مسیر تنگه ارغوان و عبور از کوه مله گون به دشت شیروان رفته، توصیفات کاملی از این بخش مسیر و راه باستانی و ویرانه‌های شیروان ارائه داده است: بدون شک دره شیروان در دوران باستان نیز منطقه آباد و حاصلخیز بوده است. بقایای شهرها و قلعه‌های ساسانی در سراسر جلگه شیروان پراکنده است. به احتمال زیاد در زمان ساسانیان



تصویر ۶. کوچ گرمسیری در مسیر هولهری در منطقه پلیه (آ. محمدی، ۱۳۷۵)

۲۰۹). همچنین می‌نویسد: در سراسر روز از اراضی بایر و دورافتاده رود گنگیر گذشتیم بارها از رودخانه عبور کردیم و دوباره سرراهمان قرار می‌گرفت (استارک، ۱۳۶۴: ۲۰۹). در ادامه خانم فریا استارک ضمن شرح سکونتگاه‌های مردمان حاشیه گنگیر در منطقه پلیه به طرف سومار می‌نویسد: در گوشه و کنار تکه‌هایی از ساختمان‌های قدیمی به چشم می‌خورد، که یا مربوط به ساختمان پل و یا مجاری قدیمی آب بودند (استارک، ۱۳۶۴: ۲۱۲). سپس خانم استارک به شرح راه‌ها و مسافرتش تا بغداد می‌پردازد و نوشته‌های وی می‌تواند ما را از وضعیت این راه باستانی (تیسفون-بندیجین-اریوحان- شیروان یا شیروان) آگاه کند (بنگرید به استارک، ۱۳۶۴: ۲۱۲-۲۱۴).

این جاده از شیروان به کارزان (در کوهپایه‌های کوه مانیش) امتداد یافته و

فریا استارک در هنگام بازگشت به بغداد از منطقه شیروان و از مسیر باستانی آن به حسین‌آباد (ایلام امروزی تختگاه والی) رفته و سپس از آنجا از مسیر چوار و گردنه رنو وارد دشت ایوان شد و در هنگام گذر از این منطقه شرح دل‌انگیزی از راه و آثار باستانی که در مسیرش به سمت مندلی (منلی) بوده را ارائه داده و می‌نویسد: منطقه ایوان، دره‌ای پهن و کم عمق در دامنه مانیش قرار دارد (استارک، ۱۳۶۴: ۲۰۲). ... ما شنیدیم که در شمیران قلعه مخروبه‌ای وجود دارد و در امتداد دره قبرهای محتوی ابزارهای مفرغی پیدا شده است. به احتمال زیاد این جاده در تمام دوره‌ها شاهراهی بوده است، در اینجا شکافی طبیعی از رودخانه بسمت جلگه عراق ایجاد کرده است و در امتداد این دره، در نقاط مختلف می‌توان آثار دوره اسلامی پیدا کرد (استارک، ۱۳۶۴:



تصویر ۷. نمایی از چشمه و بقایای پایه‌های پل شرف‌شاه سومار

محوطه‌های کله‌جوب، نرگسی در کناره آن قرار دارند. این راه در شرق روستای سرتنگ دوباره به دو شاخه تقسیم می‌شود شاخه‌ای از آن از کنار محوطه تاریخی کوریه و گمگ جانیر (گنبد جهانگیر) و گامیش و آتشکده سیاگل (سه پا) و بعد از عبور دره شمیران -قلعه شمیران در روی ارتفاعات آن قرار دارد- به منطقه گرمسیری پلپه می‌رسد و در مسیرش از این منطقه از کناره گورستان‌های عصر آهن گذشته و در نهایت به سومار و مندلی می‌رسد. شاخه دیگر به طرف شهر زرنه و روستای ترن کشیده شده و بعد از عبور از این ناحیه به روستای چل زری- در اینجا شاخه دیگر از این راه تنگه کوشک دور زده بعد از عبور از روستای ویله به سمت گیلان غرب پیش می‌رود و در نزدیک روستای ویله دوباره

از طریق راه کاروانه که از ارتفاعات بانکول می‌گذرد و با عبور درون ویله، وارد دشت میانکوهی ایوان می‌شود. بعد از آن وارد سراب ایوان که شرقی‌ترین بخش دشت میانکوهی ایوان -سرچشمه اصلی رودگنگیر در آنجاست- شده و سپس به طرف غرب دشت ایوان امتداد می‌یابد در اینجا این راهی فرعی از آن منشعب می‌شود و پس از عبور از گردنه رنو به گله‌جار چوار و شهر ایلام منتهی می‌شود. راه اصلی که هولهری نامیده می‌شود از کرانه شمالی (راست) گنگیر به سمت غرب ادامه پیدا می‌کند. بخش‌های از سنگ فرش باستانی این راه هنوز موجود است. محوطه‌های باستانی متعددی که دارای آثار دوران پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی هستند از جمله تپه گوری، شکرالی، چغازنگی، چغاپهنک و

۱ دره‌ای که راه کاروانه از آن می‌گذرد، درون ویله مانیشنت نامید می‌شود.

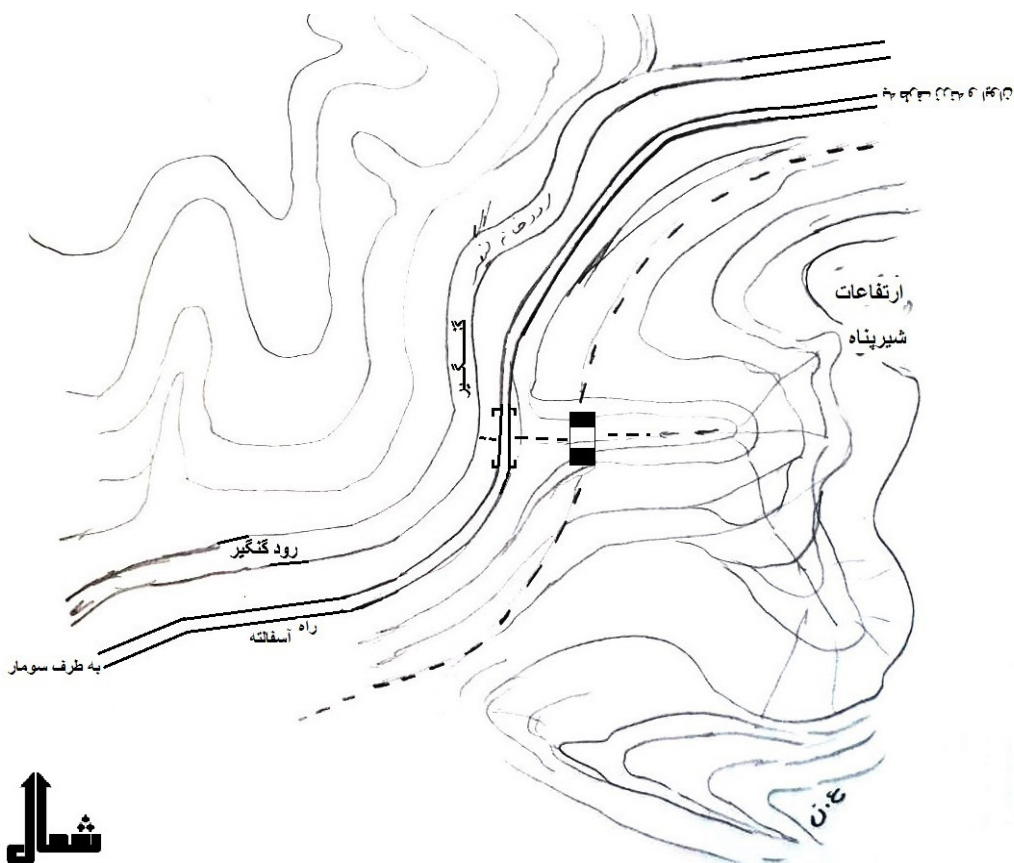


تصویر ۸. بقایای پایه‌های پل شرف‌شاه سومار

پل شیرپناه

در ارتفاع ۶۰۰ متری از سطح دریا و در موقعیت جغرافیایی $33^{\circ}57'7.38''N$; $45^{\circ}56'0.97''E$ قرار دارد. در ابتدای تنگه معروف کوشک و بر یکی از مسیل‌های فصلی که به سمت غرب جریان دارد، در دامنه شرقی ارتفاعات شیرپناه واقع است. این پل بر یکی از مسیل‌های عمیق که آب‌های فصلی ناشی از بارش‌های شدید در فصل زمستان از آن می‌گذرد و به رود گنگیر می‌ریزد ایجاد شده است. در ۱۲۰ متری شرق رود گنگیر که در این بخش در حدود ۱۰۰۰ متر جهت آن از شمال به جنوب است و در حدود ۳ کیلومتری جنوب شرق روستای گرمسیری روان و در $3/5$ کیلومتری روستای میان (میدان) در کرانه جنوبی رود گنگیر قرار دارد. راهی که از روی این پل می‌گذشته دو شاخه می‌شده یکی از میان روستای روان و دیگری از کنار روستای میان می‌گذرد به شهر

به سمت جنوب بعد از عبور از کنار بنای سنگی تاق شیرین و فرهاد، امتداد یافته و به راهی که از کوشک می‌گذرد، در نزدیک روستای روان می‌پیوندد و یکی می‌شوند. سپس این راه با عبور از کنار رود گنگیر و عبور از منطقه شرف‌شاه به سمت قلعه سومار در کنار شهر سومار امروزی ادامه یافته و از آنجا به مندلی و به بغداد امروزی که در نزدیک تیسفون پایتخت ساسانیان ایجاد شده بود، منتهی می‌شود (تصویر ۳-۶). پل یک چشمه و دهانه شیرپناه و پل شرف‌شاه (تصویر ۷ و ۸) در میانه این مسیر از روستای روان تا سومار که هم به‌علت شیب زیاد و هم وجود مسیل‌های عمیق امکان عبور کاروان‌ها را سخت کرده بود ایجاد شده‌اند (نوراللهی، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴). البته لازم به یادآوری است برای تأمین امنیت این راه در طول مسیر قلعه‌های نظامی بر ارتفاعات مشرف بر این راه ایجاد شده است از جمله قلعه الله‌خدا، قلعه شمیران و ...



شمال ↑

تصویر ۹. کروکی دستی محل قرارگیری بقایای پل یک دهنه شیرپناه

پل و معبر آن نیز است که بر مسیلی که به جهت شرق به غرب کشیده شده و آب‌های فصلی را به رود گنگیر هدایت می‌کند، احداث شده است. پل به جهت شمالی-جنوبی دو دیواره این مسیل عمیق که در واقع کف یک دره کوهستانی است، را به هم پیوند می‌زند.

از بنای پل شیرپناه، امروزه فقط بخش‌های از دیواره پی‌های آن که بر دو طرف مسیل ایجاد شده برجای است. پایه‌های این پل دارای طول ۳/۵ متر و عرض ۴/۵ متر و ارتفاع ۸ متر هستند (از پایه شمالی فقط ۷ متر باقی مانده است) که تاق چشمه‌ای به طول ۱۰ متر بر آنها ساخته شده به مرور زمان فروریخته و اثری از آن باقی نمانده است. کف مسیل تا سطح بالاترین نقطه مسیل

زرنه و دشت ایوان متصل می‌شود. این پل در ۲۳ کیلومتری پل شرف‌شاه و ۲۸ کیلومتری سومار احداث شده است (تصویر ۹ و ۱۰). بستر مسیلی که پایه‌های پل بر آن احداث شده صخره‌ای است. با توجه به عمق زیاد مسیل و اینکه در فصول بارانی این مسیل مشکلات عدیده‌ای برای عابران و کاروان‌های عبور ایجاد کرده این پل جهت تسهیل عبور و مرور ایجاد شده است. ارتفاع پی‌های پل تا سطح مسیل ۸ متر است که سازندگان پل برای احداث پایه‌ها بر طرفین مسیل ابتدا دیواره و بستر صخره‌ای مسیل را بریده‌اند.

طول این پل ۱۷ متر و عرض پی‌های باقی مانده ۴/۵ متر است، در واقع نشان‌دهنده عرض



تصویر ۱۰. موقعیت قرارگیری پل شیرپناه نسبت به راه آسفالتی و رودخانه گنگیر (تنظیم ع. نوراللهی)

آن باقی مانده است. این پل بر بستری صخره‌ای که در این نقطه رودخانه گنگیر به کمترین عرض خود می‌رسد با چهار چشمه ایجاد شده است. پل شرف‌شاه نیز از لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ و ملات گچ نیم‌کوب به‌صورت ریخته ساخته شده که کرانه شرقی و غربی رودخانه را در این نقطه به هم مرتبط می‌کرده است (تصویر ۷-۸). این پل می‌تواند دلیلی بر این باشد که در دوران تاریخی و بعد از آن پل‌های دیگری نیز بر رودخانه گنگیر وجود داشته است، ولی به مرور بر اثر جریان سیلابی و تند آب گنگیر تخریب و شسته شده‌اند، آثاری از آنها باقی نمانده است (تصویر ۴).

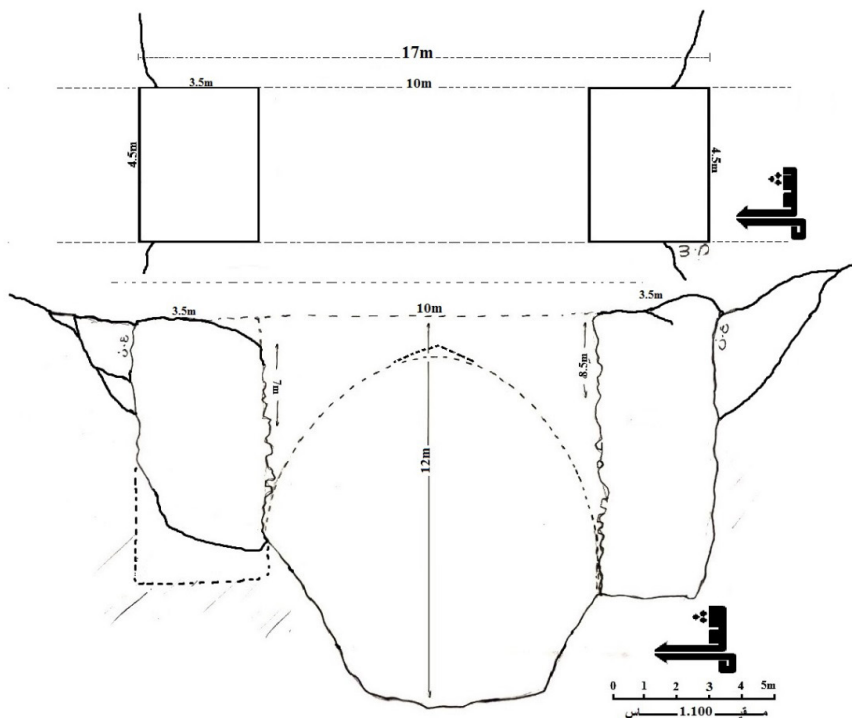
شویه، مصالح و گاهنگاری

مصالحی که در ساخت این پل مورد استفاده قرار گرفته، بوم‌آورد و از اطراف تهیه شده، شامل قلوه و لاشه‌سنگ و گچ نیم‌کوب است. به نظر

۱۲ متر است. بنابراین کف صخره‌ای مسیل ۴ متر پایین‌تر از جایی است که دیواره‌ها برای پی‌سازی پایه‌ها بریده شده و شروع به ساخت آنها نموده‌اند (تصویر ۱۱-۱۴).

آثاری از تاق چشمه پل هنوز بر دو تکیه‌گاه که در دیوارهای جانبی مسیل ایجاد شده باقی مانده، اما به علت فرو ریختن آن نمی‌دانیم که آیا این تاق به‌صورت نیم‌دایره یا قوس ضریبی بوده است. آثار خیز تاق در ارتفاع ۳ متری از کف پل به‌صورت لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ‌های با ملات ریخته روی این پایه‌ها مشاهده می‌شود که نشان می‌دهد پای قوس و شروع تاق زنی از این قسمت‌ها شروع شده است (تصویر ۱۵-۱۶).

در روی گنگیر در ۲۳ کیلومتری این پل و در ۵ کیلومتری شرق سومار و چسپیده به روستای شرف‌شاه آثار و بقایای پلی دیگر معروف به شرف‌شاه وجود دارد که امروزه فقط یکی از دهانه‌های آن با تاق جناقی و سه عدد از پایه‌های



تصویر ۱۱. پلان و نمای تقریبی پل شیربناه (برداشت و ترسیم ع. نوراللهی)

معماری در آمده است. از نظر شیوه ساخت و کاربری این پل مشابه و قابل مقایسه با پل تاریخی سراوکه لان شیروان است که آن نیز بر یک آبکند و مسیل عمیق در مسیر راه شیروان به الرذ (رد؛ ایلام امروزی) ایجاد شده و به احتمال متعلق به دوره ساسانی و یک یا دو سده بعد از آن است. هرچند در مورد آن منابع تاریخی اطلاعاتی به دست نمی دهند.

برآیند

تاکنون فقط آثار دو پل بر رود گنگیر باقی مانده است یکی همین پلی است که در این نوشتار به آن پرداخته شده و دیگری پل شرف شاه در کنار روستای شرف شاه و حدود ۵ کیلومتری شرق سومار، آثار پل دیگری تاکنون شناسایی نشده است. اما با توجه به اهمیت این راه در دوره

می رسد برای ساخت پایه های پل در دو جانب مسیل لاشه سنگ ها و قلوه سنگ ها در ملات گچ غوطه ور شده اند، به طوری که لاشه سنگ و قلوه سنگ را با هم ریخته اند و با توجه به ریختگی سطوح بیرونی و نمای پایه ها به احتمال در این پل از سنگ های منظم تر و کمی تراش خورده جهت پوشاندن سطوح استفاده کرده اند (اما در محل آثاری از سنگ تراش خورده دیده نمی شود) (بنگرید به تصویر ۱۲-۱۶). امروز این شیوه در پل کر و دیوت (پل باریکه-سی پله)، پل کشکان و دیگر پل های که بر رود پروازه سیمره ایجاد شده اند، قابل مشاهده است. از طرف دیگر ساخت این بناها از ویژگی ساختمان سازی دوره ساسانی است که تا چند قرن پس از آن در این ناحیه و نواحی همجوار رواج داشته است و تقریباً می توان گفت که بصورت یک سنت

۱ لاشه سنگ های که برای جفت و جور شدن با هم در دیوار تغییراتی کمی در آنها داده می شود را در کردی قلوخی (Gholokhi) می گویند.



تصویر ۱۲. نمای شرقی پل یک دهانه شیرپناه ایوان (ع. پیرانی)



تصویر ۱۳. نمای از بخش جنوبی پل یک دهانه شیرپناه (ع. پیرانی)



تصویر ۱۴. نمایی از بخش شمالی پل یک دهانه شیربناه (ع. پیرانی)

شده نشان می‌دهد که این راه باستانی در دوران تاریخی و پس از آن از نظر تجاری و سیاسی و نظامی اهمیت زیادی داشته‌اند، زیرا این راه از میان تنگه‌ها و دره‌هایی عبور می‌کرده که امکان نفوذ در آنها بسیار کم بوده، راه دسترسی نزدیک و سریع‌تری از تیسفون قلب شاهنشاهی ساسانی به شهرهای مهم دوران تاریخی و پس از آن (اریوحان، سیروان، سیمره، رودبار و دیگر شهرهای نواحی داخلی) بوده است.

تاریخی و بعد آن - که به برخی از آنها پرداخته شد - به نظر می‌رسد پل‌های متعدد دیگری نیز بر رود گنگیر وجود داشته که از بین رفته‌اند، زیرا این راه در نقاط متعددی عرض رود گنگیر را قطع می‌کند که به علت شیب زیاد بستر رود گنگیر و جریان تند آن - در بیشتر ایام سال بدون ایجاد پل عبور و مرور از آن بسیار سخت بوده است - بقایای این پل‌ها در گذر زمان تخریب و توسط جریان آب شسته شده‌اند. از طرف دیگر این پل و پل‌های دیگر که بر رود سیمره و کشکان ایجاد



تصویر ۱۵. پایه شمالی فروریخته پل شیرپناه (ع. پیرانی)



تصویر ۱۶. نمای غربی پل یکدهانه شیرپناه (ع. پیرانی).

کتاب‌نامه

باستان‌شناختی شهرستان ایوان (زرنه-پلیه)،
بایگانی میراث فرهنگی و گردشگری استان ایلام.
نوراللهی، علی (۱۳۹۳). «قوم‌باستان‌شناختی نام‌های
برخی از روستاها و شهرهای زاگرس مرکزی»،
فصلنامه زیربار، سال هجدهم، شماره ۸۵-۸۶،
بهار و تابستان: ۲۳۰-۲۴۸.

نوراللهی، علی (۱۳۹۴). بررسی باستان‌شناختی
گورستان‌های عصر آهن I-III حوزه رود گنگیر
ایوان، رساله دکتری (منتشر نشده).

یعقوبی، ابن واضح (۲۵۳۶). البلدان، ترجمه
محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر
کتاب.

الف) فارسی

ابودلف (۱۳۵۴). سفرنامه ابودلف، ترجمه سید
ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات زوار.
استارک، مادلین فریا (۱۳۶۳). سفرنامه الموت لرستان و
ایلام، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: انتشارات
علمی.

پیرانی، بیان (۱۳۸۱). گزارش بررسی و شناسایی
باستان‌شناسی شهرستان ایوان بخش مرکزی (۱ و
۲)، بایگانی میراث فرهنگی و گردشگری استان
ایلام.

گروته، هوگو (۱۳۶۹). سفرنامه گروته، ترجمه مجید
جلیل‌وند، تهران: نشر مرکز.

نوراللهی، علی (۱۳۸۴). سومین فصل بررسی

ب) نافارسی

Rawlinson, H.C. (1839). Notes on a March
from Zoháb, at the Foot of Zagros,
along the Mountains to Khúzistán
(Susiana), and from Thence Through

the Province of Luristan to Kirmán-
sháh, in the Year 1836, *The Journal of
the Royal Geographical Society of Lon-
don*, Vol. 9 (1839) 26-116.

“Contents”

Article

- Seals and Sealing from Dehsavar** | S Pollock, R Bernbeck, and Ch Kainert, Persian translated by Mandana Sadafi & Mojtaba Charmchian 4
- Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah** | Shahram Aliyari & Sajjad Alibaigi 16
- Differences and similarities in Gandhāran art production: the case of the modelling school of Haḍḍa (Afghanistan)** | Alexandra Vanleene, Persian translated by Bagher Fazeli 22
- The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces** | Manyā Saadi-Nejad, Persian translated by Bagher Fazeli 43
- Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way** | Ali Nourallhi 51
- Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah** | Naser Amini Khah 67
- Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn** | Sheila Blair, Persian translated by Mohsen Saadati 76
- An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan** | Esmail Marofi Aghdam, Ali Sadraei, Fariborz Tahmasebi 91

Obituary

- Mir Abedin Kaboli, Ahmad Kabiri, Pierre Amiet, Asghar Karimi & Bert G. Fragner** | Arshak Iravanian 113

- In search of Ērānšāhr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist** | Afshin Aryanpur 3



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 4, No.7, Autumn & Winter 2022 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

 www.iranvarjavand.ir

 Iranvarjavand@hotmail.com

 +98 9395969466

Window Screen, ca. 6th-7th century
Sasanian (?), Iran, Qasr-i Abu Nasr
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by

| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 4 / No. 7 / Autumn & Winter 2021



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Seals and Sealing from Dehsavar
- ◆ Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah
- ◆ Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way
- ◆ The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces
- ◆ Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn
- ◆ Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah
- ◆ Differences and Similarities in Gandhāran art Production: the Case of the Modelling School of Hadda (Afghanistan)
- ◆ An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan